

دولت - شهر سبزوار عصر سربداران و توسعه ایده‌نولوژیک شهر قرون وسطی

دکتر محمدرضا شهیدی پاک^۱

پرفسور کاظم جاجرمی^۲

چکیده

تاریخ ایران و اسلام در دوره قرون وسطی، خاطره ظهور و سقوط چندین دولت - شهر را در خود دارد. پدیده تاسیس دولت - شهرها در ایران به دو قرن پس از سقوط ساسانیان می‌رسد که در نقاط مختلف امپراطوری ساسانی حکومت‌های محلی تاسیس شد. اهداف مشترک آنها تامین خواسته‌های سیاسی - مذهبی و ملی مردم ایران بوده است. ایران، پس از سقوط دولت ایلخانی نیز صحنه تاسیس دولت‌های محلی است. هرات، سیستان، سبزوار، نیشابور، تبریز و یزد و چند شهر بزرگ دیگر شاهد تاریخی بر پایی دولت - شهرهای ایرانی است که دولت‌های محلی، بر آنها حکومت کردند. دولت محلی سربداران (۷۳۸ / ۱۳۳۷ م - ۷۸۸ / ۱۳۸۵ م) از جمله دولت‌های ایرانی سده‌های میانه است که قدرت آن از مردم بود. سربداران در ۷۳۸ هجری در سبزوار روی کار آمدند و دوازده تن از امرای محلی و خاندان‌های شیعی، پنجاه سال در محدوده شمال شرق ایران در این دولت - شهر حکومت کردند. تاریخ اسلام در عصر این دولت محلی شاهد شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه حقوق و فقه اسلامی، ادبیات، عرفان و تصوف و شهرسازی است. تنها ایده‌نولوژی تشیع مبتنی بر مکتب عرفانی تشیع دوازده امامی، خاستگاه مذهبی و سیاسی و اجتماعی دولت - شهر و تمدن شهر سبزوار است. پژوهش‌های شهرشناسی دوره مدرن و معاصر از جمله دیدگاه‌های ماکس وبر و بروک، انواع خاستگاه‌های اقتصادی و

۱. دانشگاه آزاد اسلامی تهران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی تهران

سیاسی و مذهبی و نظامی در پیدایش و توسعه شهرها را مورد بررسی قرار داده‌اند و بر اهمیت خاستگاه اقتصادی پیش از خاستگاه‌های دیگر تاکید کرده‌اند. پژوهش میان رشته‌ای حاضر براساس مصادر تاریخ اسلام و دیدگاه‌های علوم جامعه‌شناسی و سیاسی، جایگاه ایده‌ئولوژی را در نمونه دولت - شهر سبزواری دوره سربداران را بررسی کرده است و نشان داده است که خاستگاه ایده‌ئولوژی پیش از خاستگاه اقتصادی در پیدایش و توسعه و ظهور مجدد شهرها در قرون وسطی نقش داشته است.

واژگان کلیدی: سربداران، دولت - شهر، قرون وسطی، دولت محلی، ایده‌ئولوژی، تشیع، بیهق

۱- مقدمه تاریخی و جغرافیایی و پیشینه تحقیق:

۱-۱ - محدوده جغرافیایی سبزواری و آثار ژئوپلیتیکی نهضت:

وجود دولت هایی با محدوده جغرافیایی کوچک اما تاثیر بزرگ از واقعیت‌های تاریخ جهان و ایران در دوره میانه است و از جمله محدوده کوچک جغرافیایی دولت محلی سربداران است که که دارای نفوذ ژئوپلیتیکی بر قدرت‌های همسایه بود و آخرین بازمانده مغول در خراسان غربی را درهم شکست. محققان محدوده جغرافیایی سربداران را مورد توجه خاص قرار داده‌اند و تصریح کرده‌اند این دولت دارای آثار ژئوپلیتیک در جغرافیای سیاسی خراسان بوده است. محدوده آن را با دولت اروپایی ایرلند مقایسه کرده‌اند که با وجود کوچک بودن محدوده جغرافیایی آن دارای نفوذ سیاسی بالا در حوادث اروپا بوده است (رویمر، ۱۳۷۹، ۳۵). مستوفی (د ۷۴۰ هـ) جغرافی دان معاصر سربداران می‌نویسد: که بیهق ولایتی است و شهرستان آن سبزواری است و مردم آن‌جا شیعه اثنی‌عشری‌اند (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۱۳). این دولت ابتدا از باشتین آغاز و در مدت کوتاهی سراسر خراسان را متصرف شدند، متصرفات اولیه آنها از سبزواری و جوین و اسفراین و جاجرم و بیار و خجند، شروع شد و به فیروزکوه و رستمدر و طوس و مشهد رسید و آخرین آنها خواجه علی ولایات ترشیز، طبس، تون، قاین و قهستان را برمالک خود افزود و قلمرو او از جام تا دامغان و تا سرخس و از خبوشان تا ترشیز شد (دولت‌شاه، ۲۹۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲).

۲-۱ - جایگاه تاریخی نهضت و تشکیلات مستقل اداری:

سربداران سلسله‌ای از امرای محلی سبزوار که دوازده تن از آنها نزدیک پنجاه سال از حدود سال ۷۳۷ تا ۷۸۸ هـ ق، با اعلام سلطنت و ضرب سکه بدون ذکر نام ایلخانان مغول در آن در تاریخ ایران ظاهر شدند. سربداران، با استفاده از تشکیلات اداری بومی و اصطلاحات اداری مستقل، زندگی شهری مردم خراسان را نیم قرن اداره کردند. بسیاری از اصطلاحات اداری آنها را متون تاریخی عصر تیموری آورده‌اند. آنها پرچمدار تاریخ ایران در عصر دولت‌های محلی هستند. این دولت کوچک محلی از هر دولت محلی دیگر در تاریخ ایران و اسلام و تشیع اثرگذار بوده است و بحث‌های بسیاری پیرامون آن صورت گرفته است. و بخش با اهمیتی از تاریخ‌نگاری ایران به آن اختصاص دارد. دولت سربداران یکی از دولت‌های ایرانی با شخصیت سیاسی اجتماعی مستقل است و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ جنبش‌ها و انقلاب‌ها در تاریخ ایران و اسلام دارد. هسته اولیه این دولت به صورت قیام علیه ظلم در دوره طغای تیمور در ۷۳۷ هجری ظهور پیدا کرد. این دولت موفق شد دولت مغولی طغای تیمور را که نقش اصلی در استمرار حاکمیت مغول در خراسان داشت را به تاریخ ۷۵۴ هـ / ۱۳۵۳ م در هم بشکند. رهبران این دولت تا پایان از درگیری خانگی بر سر قدرت و تهاجم همسایگان خود رنج می‌بردند و عمر دولت سربداریه در ۷۵۸ هـ / ۱۳۸۶ م با مرگ موید علی که مصادر و منابع از پیوستن او به تیمور بررسی‌ها و انتقادات متفاوتی ارایه داده‌اند به پایان رسید.

۳-۱ - پیشینه تحقیق و آسیب مصادر و منابع تحقیق سربداران:

تاریخ‌نگاری سربداران بوسیله مورخان تسنن معاصر حادثه و در منابع معاصر، بویژه در مورد آغازگران نهضت، دچار آسیب و در بوته محو و تحریف قرار گرفته است. و لذا مورخان تیموری، فصل ویژه‌ای را با عنوان "تاریخ سربداریه" آورده‌اند. آنها با تعبیر "سرداران ولایت بیهق"، تاریخ‌نگاری سربداران را شروع کردند و نوشتند: "سربداران دلاوربه تهور و تنمّر چنین کاری از پیش بردند که تا انقراض عالم ذکر آن از روی روزگار محو نخواهد گشت" (فریومدی، ۳۴۶ - حافظ ابرو، ج ۱، ص ۳۴۳) و سمرقندی (۹۰۰ هـ) به ضبط تاریخ آنها قیام کرد و نوشت: "چون تاریخ سربداران از حوزه ضبط مورخان بیرون رفته یمن که اگر اطنابی در این باب رود خالی از فایده نخواهد بود" (دولت‌شاه، ۱۳۸۲، ۲۸۹)، این جمله سمرقندی حاکی از التفات تام

مورخان ایرانی قرن هشتم و نهم به تاریخ سرداران است و این بیان سمرقندی، منشا پیدایش فرضیه مبنی بر استفاده برخی مورخان دوره تیموری از متن مستقل و مفقود تاریخ سرداران، گشت (پطروشفسکی، ۱۳۵۱، ۲۱ - اسمیت ۱۳۶۱، ۷، آژند، ۱۳۶۵، ۱۰). به هر شکل مورخان تیموری و صفوی، تاریخ سرداریه را به عنوان حادثه‌ای ضد مغولی و اثر گذار در تاریخ ایران و واقعه‌ای شیعی ضبط کردند. و مورخان عصر صفوی، از جمله میر خواند (۹۱۰ هـ) با عنایت و تفصیل بیشتر این رویداد تاریخ تشیع را آورده‌اند. اوتاریخ‌نگاری آنها را با جمله " در تاریخ سرداران مذکور است، آغاز نمود (میرخواند، ۱۳۸۰، ۴۴۳۷). تاریخ‌نگاری مورخان عصر تیموری و صفوی در مورد سرداریه عکس العمل و درست نقطه مقابل تاریخ‌نگاری تسنن معاصر حادثه از جمله ابن بطوطه (۷۷۹ هـ) است که در هنگام ستیزه و کینه‌ورزی آل کرت با سرداریه در برابر آنها اقامت داشت، او با تاریخ‌نگاری جانبدارانه آن را در غالب نزاع تشیع و تسنن و با عنوان فتنه رافضه برای حذف تسنن در خراسان ذکر کرده است (ابن‌بطوطه، ۲۰۰۲، ۳۹۷). او واژه شطار و قطاع الطریق را در مورد آغازگران نهضت سرداریه به کار برده است و در این مورد افسانه‌سرایی کرده است او تحت تاثیر مورخان آن دبار که از جنگ با سرداران به عنوان جنگ مقدس سنی یا دکرده‌اند بود.

۴-۱- ضبط تاریخ سرداریه :

پایان این تاریخ‌نگاری موفق سرداریه، در توجه تتوی (۹۹۶ هـ) بر وجوب قیام به ضبط تاریخ سرداران است، او گزارش خود در مورد آغاز نهضت را متفاوت از گزارش ابن بطوطه آورده است و می‌نویسد: " اکابر مورخین در مصنفات خود احوال ایشان را بدین نهج ذکر نموده‌اند که در باشتین قریه‌ای است از قرای بیهق - خواجه‌ای بود در کمال اعتبار موسوم به خواجه فضل الله و.. گزارش تتوی که موید به تعداد بسیاری از مصادر پیش از او از جمله حافظ ابرو و دولت‌شاه است که بر اعتبار خانواده آغازگران نهضت تا کید کرده‌اند. گزارش او ناقص گزارش ابن بطوطه است که در فضایی از غرض ورزی با تشیع امامیه نوشته شده است. تتوی از مورخان قرن دهم است که تاریخ هزاره اسلام، " تاریخ الفی " را نوشته است. او گزارشی اجمالی و جامع از نهضت سرداری دارد. نکته قابل توجه تاریخ‌نگاری سرداران بوسیله او این است که آن را بزرگترین رویداد عصر خود دانسته است و تاریخ‌نگاری آن را ضروری و واجب شمرده است

و می‌نویسد: و از معظم وقایع این سنوات خروج جماعت "سربداریه" است. چون تفصیل احوال ایشان نوشتن واجب بود. او گزارش ویژه‌ای از آغاز نهضت سربداران دارد که اطلاعات آن مشتمل بر گزارش منابع قبل از او است و دقیقتر است (تتوی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۸۳). این اثر در تاریخ‌نگاری سربداران، مورد استفاده منابع معاصر قرار نگرفته است و با این وصف آسیب تاریخ سربداران بویژه در مورد تاریخ‌نگاری آغاز نهضت در تحقیقات معاصر به علت رجوع فقط به مصادری چون سفرنامه ابن بطوطه است (EI, IX, p, ۴۹).

۲- وضعیت دولت ایلخانی در نزدیکی ظهور سربداران:

۱- ۲- قدرت طلبی امرای محلی:

تخت قدرت دولت ایلخانی (هنگام ظهور سربداران بازیچه دست امیرانی گردید که با یکدیگر در کسب قدرت رقابت می‌کردند و ایشان هر کدام یکی از شاهزادگان مغول را برای اجرای مقاصد خود دست خویش کرده بودند (مشکوه، ۱۲۶۶، ۲۳۷). با مرگ ابوسعید (۷۳۶ هـ) و قتل خواجه رشیدالدین فضل‌الله فروپاشی دولت ایلخانی آغاز شد و ثبات داخلی از بین رفت و دور جدیدی از ناآرامی در ایران با انحطاط سلسله ایلخانی در حال روی دادن بود. بزودی دسیسه‌ها در بار و حرم سلطنتی و شورش‌ها و کینه جویی‌های قبیله‌ای و احتمالاً تضاد میان ایرانیان از یکطرف و ترکان و مغولان از طرف دیگر که از لحاظ دین اسلام و زبان ترکی با یکدیگر مشترک بودند، ثبات داخلی از میان رفت و در همه ایالات تمایلات شدید به استقلال و جدایی دیده شد. انا طولی و گرجستان سر از اطاعت بیرون کردند و در هلال حاصلخیز مغول‌ها سلسله آل جلایر را تاسیس کردند و در فارس آل مظفر روی کار آمدند (اشپولر، ۱۳۷۸، ۲۳۳) و دور جدیدی از تاریخ ملوک الطوائفی در ایران در حد فاصل سقوط ایلخانان تا ظهور تیمور، آغاز گردید.

۲- ۲- سقوط ایلخانان و تاسیس دولت‌های محلی و استقرار ملوک الطوائف:

دولت محلی از پدیده‌های تاریخ ملل و بویژه تاریخ ایران و اسلام است. در حد فاصل انحطاط و سقوط دولت ایلخانی تا استقرار دولت تیموریان در ایران، سرزمین ایران شاهد برپایی چند دولت کوچک و بزرگ محلی در شرق و غرب و شمال و جنوب آن است. قدرت ملی

در بین این دولت‌های متخاصم و رقیب تقسیم شد و جنگ بین شهرهای بزرگ ایران که هر یک پایتخت یکی از این دولت‌ها بود آغاز گشت. دولت‌های محلی از سویی باعث رونق تجارت داخلی و عمران و آبادی و پیشرفت علوم و صنایع بومی شدند. در عصر آنها چهره‌ای نامدار تاریخ علم و فرهنگ ایران پدید آمد، اما قدرت سیاسی در ایران ضعیف شد و ایران پس از چندی بار دیگر به راحتی بوسیله تیمور (د ۸۰۹ هـ) اشغال شد و سلسله تیموری (۷۷۱-۹۱۳ هـ) با غارت و کشتار و ویران ساختن شهرهای ایران دولت جدیدی را در ایران روی کار آوردند. سربداران در غرب خراسان یکی از دولت‌های کوچک ملوک الطوائف ایران را تاسیس کردند و این دولت نمونه کامل دولت محلی است که بواسطه نیروهای بومی روی کار آمد این دولت نماینده کوشش جماعات محلی در غرب ایران محسوب می‌شد (باسورث، ۱۳۸۱، ۵۱۴). دولت محلی سربداران در اصطلاح تشکیلات اسلامی دولتی با ولایت از نوع استیلاد و مردمی که مشروعیت خود را از ایده‌ئولوژی بومی و محلی و مردمی تشیع که مذهب جمعیت غالب و جمهور محل حادثه بود کسب کرد به خلاف سایر دولت‌های محلی ایران در این دوره که یا از مغول بودند و یا مشروعیت آنها با ولایت و امارت از نوع استکفا و مبتنی بر حاکمیت دولت ایلخانی بود.

۳-۲ - اهمیت سربداران در شکست هیمنه ایده ئولوژیکی مغول:

ایده‌ئولوژی در برابر ایده‌ئولوژی: عملکرد ایده‌ئولوژیکی مغول در جهان اسلام باعث از بین رفتن و جابجای اهمیت فرهنگی بسیاری از شهرهای ایران شد که چند قرن مرکز فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی بودند و جایگاه آنها به نقاط دیگری از ایران منتقل شد (لمبتون، ۱۳۷۸، ۲۳۳). دولت ایلخانی در غرب ایران موفق شد با بنای چند شهر سلطنتی باعث استقرار و ثبات شود. الجایتو پس از تاسیس چندین شهر با عناوین سالطانی از جمله شهر سلطانیه زنجان و سلطان اباد چم چال یا بغداد کوچک در کنار رود ارس و سلطان اباد اولجایتو ساخت و، در سلطانیه پایتخت جدیدی در ایران تاسیس شد که ویژگی ایده‌ئولوژیک آن اعلام مذهب تشیع امامیه از آنجا به عنوان مذهب رسمی دولت ایلخانی بود. دولت ایلخانی با بنای چند شهر سلطانی که پیام ایده‌ئولوژیک داشتند و مرکز انتشار تشیع امامیه بودند، رفتار اقوام ایرانی متعصب به تشیع را کنترل کرد. با این وصف دولت ایلخانی در غرب ایران از راه شهرسازی و

انتخاب شهر سلطانی به عنوان مرکز ایده نولوژیکی دولت ایلخانی پایه‌های حکومت خود را استحکام بخشید، در عین حال رفتار ایده نولوژیکی مغول در سلطانی و مراغه دو پایتخت موقت دولت ایلخانی ناپایدار بود. و از سویی وضعیت قدرت مغول در شرق ایران متفاوت بود و مغول موفق نشد از ایده نولوژیکی تشیع برای استقرار قدرت خود بهره بگیرد و هیمنه قدرت مغول بوسیله نهضت شهری سرداران در هم شکست. این نهضت ایده نولوژیکی در سبزوار، شهری با غلبه مطلق شیعه امامیه صورت گرفت. سرداران با تصرف سبزوار نه فقط صاحب مرکز سیاسی قابل ملاحظه‌ای شدند بلکه با یکی از نهضت‌های ایده نولوژیکی ارتباط برقرار کردند (ویمر، ۱۳۷۸، ۳۳) شهر سبزوار قرن‌ها مرکز حیات فکری و فرهنگی شیعه امامیه بود و پس از قم دومین نقطه با غلبه جمعیتی شیعه امامیه بود. تحرکات ایده نولوژیکی نخبگان محلی تشیع امامیه در این شهر آثار سیاسی اجتماعی به همراه داشت و زمینه اصلی قیام سرداران است که هیمنه ایده نولوژیکی مغول و پیروانش را در هم شکست.

۳- نقد تصویر شرق‌شناسی از آغاز نهضت سرداران:

۱- ۳- استقبال گسترده شرق‌شناسی به تاریخ سرداران:

نهضت سرداران در تحقیقات خاورشنا سان جایگاه ویژه دارد و آنها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ماهیت نهضت ارائه کرده‌اند. شرق‌شناسی روسی و فرانسوی و انگلیسی و آلمانی از جمله مکاتب خاورشناسی هستند که به آنها پرداخته‌اند. دو ساسی (A.J.Silverster de Sacy) در ۱۷۸۹ و دورن در ۱۸۵۰ (Doren)، و در دوره معاصر مینورسکی و براون و اسمیت و چند شرق‌شناس دیگر به آن پرداخته‌اند. وجه اهمیت پطروشفسکی و اسمیت پرداختن و نقد و تحلیل مصادر سرداران است. گروسه (Grousset, Rene) (۱۹۵۲ م) از شرق‌شناسان فرانسه، که به تاریخ‌نگاری قرون وسطی معروف است از آنها با عنوان راهزن یاد کرده است. او در مورد ابتدای کار سرداران می‌نویسد: "در خراسان غربی عده‌ای راهزن و غارتگر موسوم به عبدالرزاق در این هرج و مرج عمومی رفت و و در سال، ۱۳۳۷ م / ۷۳۸ هـ قلعه سبزوار را تصرف نمود و سلسله‌ای سلطنتی را بنام "سرداران" تاسیس نمود" (گروسه ۱۳۷۹، ۶۴۰). تاریخ کمبریج اثری از مکتب شرق‌شناسی انگلیس از آنها با عنوان "دولت راهزنان سردار" یاد کرده است (لمبتون، ۱۳۷۸، ۲۳۵) این بیان گروسه و لمبتون، مخالفان

بسیاری دارد زیرا برخی از مصادر بوضوح از اعتبار و جایگاه خانوادگی عبدالرزاق و موقعیت شهری او سخن گفته‌اند و ریشه فتوتی سربداران را ذکر کرده‌اند و منابع بسیاری در سده بیستم میلادی این مطالب را شرح کرده‌اند. منابع ایرانی ریشه آنها را به جریان ریشه‌دار فتوت ایرانی عصر ساسانی رسانده‌اند و آنها را میرا از این مسایل دانسته‌اند و در تحلیل حرکت ابتدایی آنها آورده‌اند که قتل و دزدی و راهزنی هدف اصلی و نهایی آنها نبوده است. و در گزارش‌های آنها آمده است که جماعت سربداران، امین‌الدین عبدالرزاق را در ۱۲ شعبان ۷۳۷ هجری بسرداری خود انتخاب کردند و در ابتدا چون عدد و قدرت ایشان زیاد نبود قیام خود را بشکل دستبرد به قوافل و اموال کسانی که به ظلم و جور معروف بودند شروع کردند. و از این راه، اموال و اسبابی که برای حرکات بزرگتر لازم بود را فراهم آوردند (اقبال، ۱۳۷۹، ۴۶۶). گروسه با واژه سلسله سلطنتی از آنها یا ذکر کرده است. این کاربرد واژه‌های سلسله و سلطنت در مورد سربداران را نیز تسامح امیزد انسته‌اند، زیرا به عقیده محققان، سربداران با اینکه خود را در بعضی مواقع سلطان یا نایب‌السلطان نامیده و نام خویش را در خطبه آورده و سکه به اسم خود زدند با این وصف تمایلی به انجام تشریفات و شکوه جلال سازمانی که لازمه زندگی درباری است نداشتند (رفیع، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵۶) و قدرت در آنها موروثی نبود و آنها را دارای سلطنت بدون شاهان نامیده‌اند (رویمر، ۱۳۷۸، ۴۸) در سکه دوره استقلال آنها واژه‌های سلطان، محمد، مهدی آمده است.

۲-۳ - زمینه فتوت ایرانی در نهضت سربداران:

بسیاری از منابع بین فتوت و آغاز نهضت سربداران رابطه سیاسی - اجتماعی طبیعی برقرار کرده‌اند زیرا فتوت دارای ریشه‌های سا زمان یافته در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران است و این منابع کارکرد سیاسی اجتماعی فتوت در قرن هشتم هجری در نهضت سبزواری را به همین جریان نظامند تاریخ ایران رسانده‌اند. این منابع بدنبال بررسی ریشه سیستماتیک برای تحرکات شبیه سربداران در قرون وسطای متاخر بوده‌اند و آن را به یک تصمیم خلافتی و دولتی رسانده‌اند و یکی از آخرین خلفای عباسی را سراغاز نظام بخشیدن به فتوت دانسته‌اند. آنها از عهد خلیفه الناصرالدین‌الله یاد کرده‌اند که به علت گرایش او بدین طایفه، آنها در جمیع ممالیک اسلامی تشکیلات زوایا و خانقاه‌ها و مهمانخانه‌ها داشتند. و از تعصب مذهبی و قتل و

غارت و دزدی نیز احتراز داشتند و مثل فرسان جاهلیت عرب و شوالیه‌های قرون وسطی در اروپا متجلی به یک سلسله اخلاق مردانه بودند. مصادر اسلامی گرایش الناصر به فتوت را تصریح کرده‌اند (ابن طباطبا، ۴۳۲- سیوطی، ۱۳۷۰، ۴۵۰). از وجوه عمده قیام سربداران روح فتوت و جوانمردی بود که نقش اصلی در جریان قیام ایفا کرد. مساله فتوت ریشه در فرهنگ اصیل تشیع و ایرانیت داشت و اکثر سربداران از سرچشمه این فرهنگ اصیل سیراب شده بودند (نوذری، ۱۳۸۵، ۲۳۴) آنها در راستای سفره‌های فتوت با هم پیمان‌های اخوت می‌بستند و درویشان با صدق و صفا و جوانمردان شورانگیز با نیروی بازوانشان بانیان و حامیان نهضت بودند (نبئی، ۱۳۷۶، ۲۱۶). جریان یافتن فتوت به شکل سربداران، روند طبیعی و عملکرد فرهنگ فتوت در منطقه بیهق با بیشترین پیشینه سا سانی است. برخی محققان خاورشناس از جمله کوهن (Cahen) شرق‌شناس فرانسوی معاصر، جریان ریشه‌های ایرانی فتوت را بررسی کرده‌اند و نهضت‌های ناشی از فتوت را در نقاط با پیشینه ساسانی دانسته‌اند (کوهن، ۲۰۱۰، ۲۵۲). منابع ایرانی با بررسی و تحلیل جزئیات رویداد، نقطه نظرات قابل قبول تری در مورد آغازگران نهضت ارائه کرده‌اند، در دیدگاه دقیقتر این منابع، عبدالرزاق و یاران او در ابتدای نهضت قرار ندارند و بنیانگذار نهضت سربداران نیستند. براساس این دیدگاه در لحظه نخست نهضت، بزرگان تشیع و مردم متعصب به آنها هستند. و در حقیقت جرات و شجاعت برادران حمزه و مردم باشتین بر اثر تبلیغات شیخ خلیفه و حسن جویری و سایر درویشان وفادار تشیع، بود که مردم مسلمان آن دیار را بیدار ساخت و این قیام غیر منتظره نبود که از باشتین آغاز شد ولی رهبری نداشت و این کار به ماجراجویان مانند عبدالرزاق فرصت داد تا وارد معرکه شده و از قیام مردم به سود خویش بهره گیرند (نبئی، ۱۳۷۶، ۱۸۶).

۳-۳- دولت خودگران و جمهوری شیعه :

خاورشناسان تعبیر مختلفی از سربداران دارند از جمله، بوخنر (Buchner) و ملویل (Melille C.P.) در (EI, IX, p, ۴۷) از آنها به خاطر فقدان گرایش‌های موروثی با عنوان جمهوری شیعه (Republic Shiia) و دولت خودگردان ایرانی و یا نوعی الیگارشسی یاد کرده‌اند (رویمر، ۱۳۸۷، ۴۸) و در نهایت به دیدگاه باسورث (Bosworth) خاورشناس معاصر باید اشاره کرد که نوشت: سربداران که می‌توان نامشان را به "آدم‌های بی‌باک" تعبیر کرد، نه

دولت راهزنان بود و نه یک جنبش هزارهای شیعی (باسورث، ۱۳۸۱، ص ۵۱۲). وایمر یکی دیگر از خاورشناسان علاقمند به بحث در مورد دولت‌های محلی پس از فروپاشی ایلخانان است که واقعیت فرهنگی و مکان اجتماعی سربداران را مورد توجه قرار داده است. وایمر اطلاق عنوان دولت شطار بر آن هارا مورد تردید قرار داده است و می‌نویسد: توجیه این نظریه با مقتضیات تاریخشان در بوته تردید است و تلاش‌های فرهنگی آنها عقیده دولت شطار را رد می‌کند. او براساس شکوه فرهنگی سربداران در ارایه مهمترین متن ماندگار و کلاسیک فقه و حقوق شیعه و توسعه معماری اسلامی و گرایش به شعر و شاعری بوسیله سربداران را دلیل بر دولت شطار نبودن آنها دانسته است و آن را عامل نقض نظریه پطروشفسکی دانسته است و می‌نویسد: اگر دولت سربدار دولتی شطار نبود پس تفسیر نهضت انقلابی اجتماعی مورد نظر پطروشفسکی چگونه است؟ این نظریه تا جایی درست است که پدیده قیام توسط بخش‌های ستم کشیده و استثمار شونده قابل پیگیری باشد لیکن در مورد شورش توده مولد با استثمار گران شواهد و مدارکی وجود ندارد (رویمر، ۱۳۸۷، ۴۶).

۴ - ۳- فرضیه پطروشفسکی و فقدان مدارک کافی :

پطروشفسکی و برخی دیگر خاور شناسان روسی در تحلیل نهضت سربداران از قواعد جامعه‌شناسی مبتنی بر ماتریالیسم تاریخی کمک گرفته‌اند. آنها نهضت سربداران را در چهار چوب مقتضیات اقتصاد سوسیالیستی بررسی کرده است. این تحلیل مادی و اقتصادی سوسیالیست‌ها از رویدادی با ماهیت کاملاً دینی، که مخالف هرگونه گرایش ماتریالیستی بوده‌اند و بنیان نهضت آنها بر دین و دوری از مادیات بوده است در نگاه اجمالی نخست از بیخ و بن باطل است واز دیدگاه محققان به دلیل فقدان شواهد تاریخی کافی، مردود است. پطروشفسکی کوشیده است این نهضت را سرتاسر حرکتی دهقانی جلوه دهد. باسانی (Busani) نیز در مقاله دین در عهد مغول رهبر نهضت سربداریه را روستایی دانسته است (باسانی، ۱۳۷۹، ۵۱۸). پطروشفسکی کوشیده است برای رهبران دینی و نظامی نهضت ریشه روستایی مطرح کند و او ابتداءمینه اجتماعی - اقتصادی ایران در هنگام نهضت سربداران را در دیدگاه ماتریالیسم تاریخی را در سه دوره توضیح داده است و ویژگی این ادوار انحطاط اقتصادی و زوال زندگی شهری و رشد جنبش‌های روستایی و افزایش مالکیت خصوصی مشروط بر

زمین‌های کشاورزی و افزایش مالیات‌های دولتی و اجاره فئودالی و روش‌های جدید بهره‌کشی از روستائیان است که موجب شورش‌های بزرگ بین روستائیان از جمله جنبش سربداران خراسان گردید (پطروشفسکی، ۱۳۷۹، ۴۵۶) شد. این جنبش علی‌رغم ظاهر مذهبی ترقی خواهانه است و قشرهای وسیع تولیدکنندگان را در بر گرفت و وارد مبارزه مسلحانه به خاطر منافع اجتماعی خویش و بیگانگان کرد (پطروشفسکی ۱۳۵۱، ۱۱۰، ۱۱۹ - اسمیت، ۱۳۶۱، ۱۲۰ / رفیع ۱۳۷۷، ۱۰۵۸) است.

۴- اصالت مکتب سیاسی - عرفانی - نظامی جوریه :

۱ - ۴ - دوره سوم الهیات تشیع و بنیاد دولت سربداریه:

نهضت سربداران بخشی از تاریخ تصوف و فلسفه و کلام در ایران و جهان اسلام است که تحولات عرفانی در عصر آنها منجر به تاسیس دولت شد. محققان، تاریخ‌تطور و پیشرفت فلسفه، کلام و عرفان شیعی تا دوره معاصر را به چهار دوره تقسیم کرد هاند که دوره سوم آن هم زمان با پیروزی نهضت سربداران و تاسیس دولت شیعی است (کربن، ۱۳۸۹، ۵۲). در بخش غربی ایران و با حمایت دولت ایلخانی، دوره دوم نهضت فلسفی و کلامی شیعه امامیه با خلق اثر کلاسیک و ماندگار الهیات بوسیله امام المتکلمین خواجه نصیرالدین طوسی (۷۲۶ هـ) روی داد و مبانی نظری الهیات عام و الهیات خاص شیعه دوازده امامی بوسیله او تدوین شد. دوره سوم آن در شرق ایران عصر ایلخانی با نهضت سربداران شروع شد. فعالیت‌های عرفانی و فرهنگی ایده‌نولوگ سربداران، شیخ حسن جوری (د ۷۳۹ هـ - ۱۳۳۸ م) بانی طریقه شیخیه جوریه، که آمیزه نظامی و سیاسی و اصلاحات اجتماعی از ویژگیهای آن است (با سانی، ۱۳۷۹، ۵۱۹)، در راس دوره سوم نهضت فلسفی و کلامی شیعه امامیه قرار دارد. دوره سوم تحولات فلسفی و کلامی و عرفانی تشیع در ابتدا و انتهای خود دارای آثار عملی و نظری بود. ثمره نظری آن تدوین مجموعه کلاسیک فقه و مبانی حقوقی شیعه اتنی عشریه (اللمعه الدمشقیه)، بوسیله شهیدثانی فقیه سربداران است که تاکنون متن درسی شیعه امامیه است. و محصول تاریخی آن، تاسیس دولت دینی بر مبانی الهیات شیعه دوازده امامیه نخستین تجربه کامل تاسیس دولت شیعه در تاریخ تشیع در آغاز دوره سوم است. و بنیاد دولت صفویه نمونه‌ای از دولت شیعه امامیه در پایان دوره سوم است. تاسیس این دولت را اکثر محققان در راستای

تحولات عرفان و تصوف شیعی عصر سربداران دانسته‌اند. این پیشرفت در اندیشه و عملکرد شیعه امامیه براساس معرفت دوازده امام و وجود امام غایب بود (نبئی، ۱۳۶۷، ۲۱۵- نوذری، ۱۳۸۵، ۲۳۳).

۲-۴ - تحلیل نامه ایده‌نولوژیکی شیخ حسن جویری :

نامه تاریخی شیخ حسن جویری در پاسخ به نامه محمد بیک، مهم‌ترین نثر سیاسی - اجتماعی شیعه امامیه در قرن هشتم هجری است و از مدارک معتبر تاریخ سربداریه است که مواضع ایده‌نولوژیکی آنها را به طور وضوح در ایینه تاریخ، مشخص کرده است. زبده التواریخ در ذکر حوادث ۷۳۹ هجری با عنوان سواد مکتوب شیخ حسن به برادر ارغون شاه، آن را به عنوان مدرک معتبر و سند تاریخی لفظ به لفظ آورده است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۳) این نامه ناقض افسانه ابن بطوطه در مورد آغاز گران نهضت است. بسیاری از منابع معاصر شرق شناس از جمله دایره‌المعارف اسلامی لایدن بدون توجه به جزئیات این نامه که خطوط اصلی مواضع سربداریه را روشن ساخته است، در مورد خاستگاه و آغاز نهضت قضاوت کرده‌اند. شیخ حسن جویری در نامه مراحل نهضت سربداریه را مشخص کرده است و ابتدا زتدگی علمی و آموزشی خود را توضیح داده است و سپس علت ورود به سیاست و همکاری با سربداریه را بیان نموده است. و در نامه براساس گزارش تتوی و میر خواند، در مورد آغازگران قیام آمده است: "من در اول خواهی نخواهی با امیر مسعود همراه شدم، از جمله مسلمانان اکنون امیر وجیه الدین مسعود و اتباع ایشان می‌گویند که هر چه بهبود مسلمانان در آن است بدان قیام خواهیم نمود و از هر افریده که سخن حق با ما گوید خواهیم شنود و در بند صلاح مسلمانانیم و تمام ائمه و مشایخ و پیشوایان و لایت بیهق و نیشابور بدین اتفاق کردند که دفع این ظلم و طلب صلاح و خلاص مسلمانان واجب و لازم است... (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۴۵۰۴- تتوی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۴۸۸). برخی منابع ایرنی معاصر با تحلیل متن نامه شیخ حسن جویری مواضع سیاسی اجتماعی سربداریه را بیان کرده‌اند و ویژگی‌های آنها را ذکر کرده‌اند. (نبئی، ۱۳۷۶، ۱۷۸) محتوی نامه اصالت تفکر و مواضع سیاسی ایده‌نولوگ و بنیانگذار سربداریه در برابر دولت مغول است. محققان این نامه را نشانه اعتقادات سیاسی شیخ مبنی بر یگانگی دین و سیاست دانسته‌اند. نکته جالب توجه این که تتوی این نامه را ناقص شخصیت و فتاوی فقهای درباری

متسنان سبزوار دانسته است که در برابر شیخ حسن جوری ایستادند و تزلزل و سست عنصری آن‌ها را با آوردن بیتی که سبزوار را نماد ناپایداری دانسته است، مورد انتقاد قرار داده است (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۴۸۶). پیش‌تر شیخ خلیفه استاد حسن جوری، جدایی کامل مواضع سیاسی خود از فقهای وابسته به مغول را در مشاجره با بزرگ متصوف عصر اعلام کرده بود. ملاقات شیخ خلیفه با شیخ علا الدوله سمنانی که نزد ایلخانان مغول مقام وساطت داشت (میرخواند، ۱۳۸۰، ۴۳۷۴) و درگیری مشاجره کلامی بین آن دو که منجر به این شد که ایده نولوگ سربداریه مذهب خود را مذهب اعلا بنا مد، نماد و سمبل جدایی مطلق عرفان شیعی از تصوف رسمی و دولتی تسنن است و حاکی از مخالفت سران مذهبی سربداران با تصوف رسمی است. نارضایتی شیخ خلیفه از تعلیمات نامی‌ترین شیوخ صوفیه معاصر او در عصر جنگ بین مذاهب خمسه اسلامی در ایران، از مباحث پر حاشیه عصر ایلخانی است که در مصادر و منابع تاریخ سربداریه منعکس شده است (اقبال، ۱۳۷۹ - باسانی، ۱۳۷۹، ۵۲۰ - رفیع، ۱۳۷۷، ۱۰۴۵).

۵- پدیده رابطه تاریخ و حافظه در خاطره سربداران و بازسازی آن در نسل معاصر:

۵-۱ - ماندگاری و نفوذ معنوی و آینده سازی سربداران در ادبیات فارسی :

سربداران بخشی از تاریخ ادبیات ایران و یکی از موضوع سیاسی - اجتماعی شعر و نثر ایرانی است. که از عصر سربداران تاکنون بوسیله شعرا و نویسندگان و هنرمندان بارها مورد استفاده و بررسی مجدد قرار گرفته است. این رویداد ابتدا بوسیله شاعر معاصر آنها درک شد و او به فهم رویداد سربداریه مباهات نموده است و ابعادی از شخصیت مذهبی و سیاسی اجتماعی و فرهنگ آنها را در دیوان خود منعکس ساخته است. شخصیت و هویت دولت سربداریه در دیوان بزرگ ابن‌یمین آشکار شده است. محققان بسیاری از جمله خاورشناس ج. ریپکا (J.Rypka) به ابن‌یمین پرداخته‌اند (EI, III, p, ۹۶۹). فریومدی (د ۷۴۵ هـ) او سا لها صاحب دیوان خراسان بود (دولت‌شاه، ۱۳۸۲، ۲۸۴) و در دربار مغول به منصب استیفا و تحریر طغرا بود. ام او با گرایش به سربداران به عنوان شاعر سربداران در تاریخ سیاسی ایران ماندگار شد. دیوان او انعکاس بخشی از فرهنگ و ادب ایران و تاریخ سیاسی خراسان است او شاهد کشاکش‌های پیاپی امرای خراسان در عهد فترت میان ایلخانان و حمله تیمور بوده و گاه در این کشاکش‌ها

و جنگ‌ها حضور داشته است (صفا، ۲۵۳۵، ج ۳، ص ۹۵۴) او عقاید تشیع امامیه را با زبان شعر آورده است (فریومدی، ۱۳۴۴ صص).

۲-۵ - بازسازی تاریخ و حافظ بوسیله سرداران:

بررسی چگونگی ارتباط بین تاریخ و حافظه و همراهی با آن (comemorable) امروزه از مسایل حوزه تاریخ پژوهی است و دارای اهمیت میان رشته‌ای در زمینه روان‌شناسی، تاریخ، علوم اجتماعی و سیاست است. این مسئله در تاریخ‌نگاری نهضت سرداران به بهترین شکل قابل ارزیابی است. بررسی تاریخ سرداران حاکی از وجود پدیده ارتباط بین تاریخ و حافظه و امکان بازسازی خاطره بسیار فعال بوسیله معاصران است. سرداران نشانه ارتباط بین خاطره و تاریخ و کارکرد تاریخ در رفتار انسان معاصر است. پدیده سرداران علاوه بر تاریخ دارای ماهیت روانی و نفوذ خاطرهای بسیار بالا است. این پدیده که اکنون به ادبیات پیوسته است، بخشی از حوزه شعر حماسی شیعه و ایران است و کاربستی سیاسی - روانی - اجتماعی را پدید آورده است، یکی از موضوعات همراهی با خاطره و بازسازی آن، مسئله سیاسی - اجتماعی و روانی امکان شکست هیمنه مسلط امپراطوری و زیر پا گذاشتن آن در تاریخ است. رویداد تاریخی سرداران این موضوع را در کارنامه خود را به نمایش گذاشته است. این کارکرد سرداران در زنده ساختن حافظه و کارکرد سیاسی اجتماعی آن چندین قرن پس از رویداد، در ادبیات دوره قاجار و ادبیات نمایشی ایران معاصر به خوبی متجلی شد. موقعیت تاریخ و بازسازی حافظه در تحریک خاطره و تعیین رفتار در بیان شاعر ایرانی، ملک الشعرای عصر قاجار، بهار آمده است. او از سرداران به عنوان مثل اعلا و نمونه تصور بر انگیز آزادگی یاد کرده است و هدف او همراهی حافظه مردم معاصر ایران با رویداد سرداران است. او برای بیان شخصیت آزادی خواهان عصر خود، مثل سرداران را در خاطره معاصران خود بازسازی کرده است.

سرور احرار ایرانند آل سردار کز فشار و ظلم آشتند اندر سبزوآر

۶- کارکرد ژئوپلیتیک شهر سبزوار بوسیله ایده ئولوژی:**۶-۱ - علت بقای دولت شهر سبزوار پس از سقوط سربداران :**

نهضت سربداران در نقطه باشتین، با جمعیت روستایی و سبزوار با سابقه شهری کهن ایرانی با انبوه جمعیتی که قرن‌ها زندگی شهری را تجربه کرده بودند، آغاز گردید، و در خراسان حاکم شد و در شهرهای ماورالنهر از جمله سمرقند بزرگترین نقطه شهری ماورالنهر (سربداران سمرقند) و شهرهای مازندران و کرمان دارای آثار ژئوپلیتیکی داشت (پطروشفسکی، ۱۳۵۱، ۱۰، ۹۸) و باعث سرنگونی و ظهور قدرت‌های جدیدی شد و چهره سیاسی اجتماعی و مذهبی شهرهای بسیاری در مناطقی در اطراف خود رادگرگون ساخت. رهبری فکری نهضت از سال‌ها پیش بخشی از جمعیت شهری بود و نهضت در جریانی از ارتباطات طبقات جمعیت شهری شکل گرفت. این شهر با ریشه باستانی ایرا ساسانی در تاریخ خود گزارش هایی از ظهور و سقوط بسیاری از قدرت‌ها را دارد، با پیدایش سربداریه توسعه پیدا کرد و سربداریه معماری ایرانی و اسلامی را در آن جا توسعه دادند و از جمله انباری در سبزوار بنا کردند که شتر بر بام آن با بار بالا می‌رفت (دولت‌شاه، ۱۳۸۲ ف ۲۹۴)، به اصلاح ابیاری با تعمیر واحداث قنات اقدام کردند و دوره تازه‌ای از شهرسازی سبزوار و سایر نقاط را انجام دادند و با سقوط سربداران شهر سبزوار با وجود آسیب بسیاری که از جانب دولت تیموری دید، به حیات خود ادامه داد و مانند سایر شهرهای ایام ایلخانی (مانند سالطانیه و ربع رشیدی) که حتی به مقام پایتخت رسیدند ولی پس از فروپاشی ایلخانی به سرعت از بین رفتند و فقط آثار و ویرانه‌های آنها باقی ماند، نبود. علت بقای شهر سبزوار در کاربستی که ابن خلدون برای ظهور و سقوط شهرها ارائه داده است قابل پیگیری است. ابن خلدون از بادیه در تقابل با شهر یاد کرده است. او به عملکرد مردم بادیه که از فساد قدرت در شهر دور مانده‌اند سخن گفته است. او روند پیدایش و توسعه و شکوفایی و انحطاط تدریجی و مراحل سقوط شهرها را ذکر کرده است. ابن خلدون به چگونگی بقای شهر پس از سقوط دولت آن پرداخته است. به نوشته او اگر بادیه نشینانی باشند که آن شهر را یاری دهند آن شهر پس از سقوط دولتی که آن را بنا کرده است، باقی می‌ماند. (مقدمه، ۱۳۷۹، ج ۲، ۷۱۰، ۶۷۵) کاربرد نظریه ابن خلدون در مورد شهر سبزوار پس از سقوط سربداران به این شکل است که وجود بافت روستا - شهر باعث بقای دولت - شهر سبزوار پس از شکست سربداران شد. براساس بیان جامعه‌شناسانه ابن خلدون حفظ شهر پس از اضمحلال قدرت دولتی شهر، مبتنی

بر عملکرد مثبت روستا در شهر و برقراری مکانیسم مثبت و فعال ارتباط سیاسی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بین شهر و روستا است.

۶-۲ - شهر از دیدگاه وبر و خاستگاه ایده‌نولوژیک شهر سبزوار :

خاستگاه شهر از مباحث تاریخ شهر و شهرسازی و جامعه‌شناسی تفسیری شهر است. محققان این حوزه خاستگاههای متفاوتی در خاستگاه شهر ذکر کرده‌اند. از جمله این محققان بروک (Bairoch) است که به اهمیت خاستگاه مادی برای شهر قایل است و ایده‌نولوژی را نادیده گرفته است (بروک، ۱۳۸۹، ۳۵). در دیدگاه وبر در مورد شهرهای اسلامی قرون وسطی ایده‌نولوژی مطرح شده است. شهر اسلامی در دیدگاه وبر و وات در تحلیل مسئله امامت و خلافت و سلطنت الهی پیش از اسلام در حوزه‌ای از نزاع بین جمعیت تسن و تشیع تفکیک و تحلیل و تقسیم‌بندی ویژه‌ای ارائه کرده‌اند. محققان بین مدل ویزه رهبری شیعه اثنی عشری و مدل پادشاهی شهری ایرانی تناظر برقرار ساخته‌اند، یکی از آنها آورده است: " بنا براین شاید بتوان گفت این دیدگاه شیعی در باره رهبری فرهمند، از الگوی سنتی شاهان که در زمینه پادشاهی شهری گسترش یافته بود بهره برده است". (ترنر، ۱۳۸۰، ۱۷۱). بررسی‌های جامعه‌شناسی سیاسی آنها از شهر اسلامی نتیجه‌ای است که در مورد مسئله جانشینی ارایه کرده‌اند که مهمترین مسئله سیاسی اجتماعی جهان اسلام پس از پیامبر (ص) بوده است. در شهر سبزوار و عملکرد آن در نهضت سربداریه در چهارچوب دیدگاه‌های وبر در مورد شهرهای اسلامی در قرون وسطی و امامت فرهمند قابل بررسی است و دیدگاه وبر ناقض نظریه پطرشفسکی و باسانی است که نهضت سربداریه را نهضتی روستایی و شورش دهقانی قلمداد کرده‌اند. نهضت سربداریه در قالب دیدگاه وبر نهضتی شهری و مرحله‌ای از روند تحول شهری در ایران است. خاستگاه شهری نهضت مورد توجه منابع معاصر نیز قرار گرفته است، از جمله محقق ایرانی دانشگاه وین که خاستگاه شهری برای نهضت سربداران تصویر نموده است و بعد شهریگری را از ویژگی‌های اصلی سربداریه برشمرده است (نوذری، ۱۳۸۵، ۲۳۴). و از سویی خاستگاه ایده‌نولوژیک شهر سبزوار، بر شهری بودن نهضت سربداری تاکید می‌ورزد زیرا کارکرد ایده‌نولوژی تشیع در مورد تاسیس دولت دینی شیعه امامیه در سبزوار بوقوع پیوست و نشان داد، ارتباطی وثیق بین ایده‌نولوژی نهضت سربداریه مبتنی بر امامت فرهمند دوازده امام که

کاربست اصلی نهضت است با شهر سبزوار که دومین نقطه شهری و محل غلبه مذهب اثنی عشری است، این نهضت شهری ناقص نظریه بروک در مورد خاستگاه اقتصادی شهر است.

۷- نتیجه گیری:

تاریخ سربداریه بخشی از تاریخ موثر در حافظه و رفتار در جوامع ایرنی و اسلامی است و همواره باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد و چنانکه در متن پژوهش ملاحظه شد، تاریخ‌نگاری واقعه سربداریه بوسیله مورخان معاصر حادثه دچار آسیب شده است. اما متن بدون واسطه و مستقیم به جا مانده از ایده‌نولوگ رویداد، نامه شیخ حسن جوری در زمینه رفع آسیب کارساز بوده است و از سویی برخی از مورخان نزدیک به رویداد برای حفظ حقیقت سربداریه اقدام کرده‌اند و تاریخ‌نگاری ایرانی و شیعی عصر تیموری و صفوی در نگارش رویداد ایرانی و اسلامی و شیعی قیام کردند و می‌خوانند در روضه الصفا بخش خاصی را به سربداران اختصاص داد و حتی تتوی در مورد تاریخ‌نگاری سربداران ادعای وجوب کرد و آنها از اصالت و ریشه‌های مذهبی و مردمی قیام سربداران سخن گفتند و تا حدود زیادی آثار منفی ناشی از آسیب یاد شده را مرتفع ساختند و در مورد آغاز نهضت دیدگاه آنها در مقابل مواضع ابن بطوطه مغربی قرار گرفت. و اما کاربرد جامعه‌شناختی و سیاسی عملکرد ایده‌نولوژیک شهر سبزوار در نیمه قرن هشتم هجری در تاریخ نهضت‌های شهری در ایران این است که توسعه شهر سبزوار به عنوان مکان وقوع رویداد نظامی و ایده‌نولوژیک سربداریه محل استقرار تشیع دوازده امامی است. و نمونه‌ای از خاستگاه ایده‌نولوژی در توسعه شهر است. پژوهش حاضر بخشی از پروژه فوق دکتری دانشگاه سوربن پاریس به راهنمایی پرفسور جاجرمی است که به سال ۱۳۹۲ بوسیله نویسنده اجرا شده است.

منابع

۱. آژند، یعقوب، قیام سربداران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
۲. اسمیت، جان ماسون، تاریخ خروج و عروج سربداران، واحد مطالعه و تحقیقات فرهنگی و تاریخی، ۱۳۶۱.
۳. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۴. ابن بطوطه، محمد، رحله ابن بطوطه، (تحفه النظار فی غرائب المصار)، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۲.
۵. ابن طباطبای، محمد، تاریخ فخری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، تهران
۶. ابن خلدون، محمد. مقدمه، ترجمه گنابادی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۹.
۷. باسانی (A. Busani)، دین در عهد مغول، تاریخ ایران کمبریج، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۸. بروک، پل، از اریحا تا مکزیکو، ترجمه برومند، انتشارات کند و کاو، تهران، ۱۳۸۹.
۹. تتوی، احمد و قزوینی اصف خان، تاریخ الفی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲
۱۰. ترنر، بریانی، وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان و دیگران، نشر حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰.
۱۱. پتروشفسکی، (I.P. Petrushevski)؛ اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، تاریخ ایران کمبریج، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. پتروشفسکی، ایلیا، تاریخ نهضت سربداران، ترجمه کشاورز، ۱۳۵۱.
۱۳. شبانکاره‌ای، محمد، مجمع الانساب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین، تاریخ الخلفا، الرضی، قم ۱۳۷۰.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.
۱۶. رویمر، آل‌جلایر آل‌مظفر و سربداران، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، نشر جامی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. دولت‌شاه سمرقندی، تصحیح براون، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲.

۱۸. حافظ ابرو، عبدالله، *زبده التواریخ*، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۰.
۱۹. کرین، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه مبشری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۹.
۲۰. گروسه، رنه، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه میکده، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۲۱. رفیع، عبدالعلی، *تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران*، انتشارات کومش، تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. میرخواند، محمد، *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا*، تصحیح کیانفر، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.
۲۳. کوهن، کلود، *الاسلام*، ترجمه قیسی، *المنظمه العربیه*، بیروت، ۲۰۱۰.
۲۴. لمبتون و هولت، *تاریخ اسلام*، دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۲۵. فریومدی، *دیوان اشعار*، تصحیح باستانی، سنایی، ۱۳۴۴.
۲۶. مشکوه، محمد، *تاریخ ایران زمین*، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۲۶۶.
۲۷. مستوفی، حمدالله، *نزهه القلوب*، تصحیح سیاقی، نشر حدیث، قزوین، ۱۳۸۱.
۲۸. نبئی، ابوالفضل، *نهضت‌های سیاسی مذهبی در تاریخ ایران*، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۶.
۲۹. نوذری، عزت الله، *تاریخ اجتماعی ایران*، انتشارات خجسته، تهران، ۱۳۸۵.
۳۰. Encyclopedia of Islam , Brill, Liden , ۱۹۹۷. The

